

ما بار دیگر توجه همه احزاب، سازمانها و همه میهن دوستان و ملیون وطن پرست را به حوادث ایران و پیرامون آن جلب میکنیم

## برای نجات ایران متحد شویم!

مواطنان!

شمله‌های حریق در اطراف مرزهای ایران به یکدیگر وصل می‌شوند و خطر سرایت این شمله‌ها به خرمن خشک و آماده‌ای، که بر اثر سیاست‌های ایران بر باده رژیم، در وطن ما انبار شده، هر لحظه جلوه‌های روشن‌تر بخود می‌گیرد. میهن ما، کانون بزرگترین حریق خانگی در منطقه خواهد شد؟ اگر چنین شود، از خانه چیزی باقی خواهد ماند، که آنرا بتوان وطن باستانی خود خواند؟

در شرق و جنوب شرقی ایران، بیرهانه - حتی بدلیل مبارزه با تاجاق مواد مخدر - بین اقوام بزرگ و مشهور بلوچ ایران، نظیر "لاشاریها"، جنگ و گریز آتچنان است، که بنا بر اطلاعاتی رسمی مقامات نظامی و امنیتی رژیم، طی چند ماه گذشته، دهها نفر از قوای دو طرف کشته شده‌اند. ترور برخی سران بلوچ ایرانی در بلوچستان پاکستان و حتی در شهرهای بزرگ این کشور همسایه، اعدام و گرداندن اجساد اعدام شدگان در شهرهای جنوب، کرمان و زابل و بلوچستان، اعلام کشف سلاحهای نیمه سنگین و حتی سنگین از باصلاح اشرا و ادامه فقر و مسکنت مردم در نواحی بلوچ‌نشین ایران، می‌رود تا به ابعاد این درگیریها وسعت بخشد. بویژه آنکه اوضاع سیاسی در پاکستان متشنج و ناپایدار است، و همزمان با تبلیغات کشورهای بزرگ امپریالیستی، و پیش از همه آنها آمریکا، در مورد لزوم کنترل پاکستان و جلوگیری از تولید سلاح هسته‌ای در این کشور، درگیریهای مذهبی-قومی در این کشور همسایه نیز تشدید شده است. بلوچستان پاکستان در جوار ایران، پیوسته یکی از کانونهای تشنج قومی در پاکستان بوده و هست و ریشه‌های تاریخی حکومت مستقل در این منطقه وجود دارد.

در افغانستان، علیرغم سپردن دولت مرکزی به سر دسته یکی از ارتجاعی‌ترین و جنایتکارترین باندهای مسلح، وابسته به عربستان و ارتش پاکستان، کوچکترین ثباتی در این کشور وجود ندارد، و موشک باران پایتخت ویران شده این کشور نیز همچنان ادامه دارد. نیروهای وابسته به "حکمت‌یار"، که نسبت به آینده سست جدید او کوچکترین اطمینانی ندارد، همچنان در اطراف کابل و در منطقه "بالاحصار" این شهر، مواضع خود را حفظ کرده‌اند و حتی گهگاه موشک نیز بطرف شهر شلیک می‌کنند. درحالیکه کابل همچنان متشنج است، و خبرگزاریها رسماً از چند پاره شدن افغانستان گزارش مخابره می‌کنند، در شمال افغانستان جنگ بین قوای دولتی تاجیکستان و فراریان مسلح این کشور، که در افغانستان سنگر گرفته‌اند، با شدت ادامه دارد. افغانستان بدین ترتیب، درگیر یک جنگ داخلی قومی است، و چند قوم بزرگ آن زرمزه استقلال از حکومت مرکزی را رسماً آغاز کرده‌اند، و شمال آن نیز عملاً سنگر و میدان جنگ با دولت مرکزی تاجیکستان شده است. تاجیک‌های فراری، که تعداد آنها سر به دهها هزار نفر می‌زند، افغانستان را سنگر خود کرده‌اند، آنها از یکستان را آتش بیار جنگ اعلام می‌کنند، و بدین ترتیب در شرق و شمال شرقی ایران نیز شمله‌های حریق بالا می‌گیرد.

در شمال ایران جنگ بین ارمنستان و آذربایجان بی‌وقفه، و با پیشروی قوای نظامی ارمنستان ۲ میلیون در خاک آذربایجان ۸ میلیونی، ادامه دارد. کدام دست از پشت صحنه ارمنستان را حمایت و تشویق به ادامه این جنگ می‌کند؟ سوالی است، که باید امروز، و پیش از آنکه فاجعه یوگسلاوی تکرار شود، و جنگ دو کشور به جنگ بین مسلمان و مسیحیان تبدیل شود، پاسخ آنرا داد.

ما نمی‌توانیم صحت ارقام مربوط به فرار آذربایجانی‌های جنگ زده بداخل خاک ایران را مشخص کنیم، اما در این تردید نیست، که این جنگ و فرار جنگ‌زدگان بداخل آذربایجان ایران، عملاً می‌تواند آذربایجان ایران را درگیر یک فاجعه کند. تبلیغات نابودانه رژیم جمهوری اسلامی و تاکید بیایی وسائل خبری رژیم، هنگام پخش اخبار جنگ، روی کله مسلمان آذربایجان، در عمل، به این جنگ، جنبه مذهبی می‌دهد.

در شمال غربی و غرب ایران، اوضاع بهمین ترتیب متشنج است. دولت مرکزی ترکیه، در حالیکه به خشن‌ترین شکل ممکن درکار سرکوب نظامی کردهای مقیم این کشور است، پیوسته رژیم ایران را بمنوان حامی کردهای این کشور معرفی کرده است. این برخورد‌های سیاسی، با کشته شدن تعدادی از نظامیان ایران در مرزهای مشترک دو کشور، بر اثر عملیات نظامی، چهره جدیدی به خود گرفته است.

رژیم ایران، در حالیکه از کم و کیف برخوردها در زمان وقوع، اطلاعی منتشر نمی‌کند، اما هر اعتراض‌های رسمی به دولت ترکیه، پرده از این درگیریها برمی‌دارد و مطبوعات تحت کنترل رژیم نیز سرانجام ناچار به انتشار اخباری در این مورد شده‌اند.

نخست وزیر ترکیه، علیرغم نظرات خوشبینانه‌ای، که مقامات رژیم در پایان تماس‌ها و مذاکرات خود با مقامات دولت ترکیه اعلام می‌کنند، همچنان بر شدت حملات تبلیغاتی-سیاسی خود به سران تهران ادامه می‌دهد، و زمینه‌های تیرگی کامل روابط را فراهم می‌آورد!

در کردستان ایران جنگ‌های ضربه‌ای و پارتیزانی به جنگ کلاسیک ختم شده است، و بمباران پایگاههای حزب دمکرات کردستان ایران در خاک عراق، و در محدوده‌ای، که دولت کردهای عراق تشکیل شده، توسط هواپیماهای ایران، و سپس گلوله‌باران روستاهای کردنشین عراق توسط رژیم ایران، به این درگیری خانگی، جنبه بین‌المللی داده است. نشریات معتبر و مشهور غرب، بویژه در فرانسه و آلمان، در هفته‌های اخیر با تاکتیک

نوبتی نسبت به این جنگ برخورد کرده‌اند، و کردستان ایران را به کردستان عراق وصل کرده‌اند. این نشریات از جمله در آلمان، هنگام طرح ماجرای این جنگ و بمباران، نقشه واحدی از کردستان ایران و عراق را به چاپ رسانده‌اند!

در غرب و جنوب غربی ایران، در حالیکه دولت عراق خود را برای سرکوب نهانی شیعیان جنوب این کشور آماده می‌کند، زرمزه‌هایی در خصوص پایان بازسازی ارتش عراق بر سر زبانهاست. در غرب سعی می‌شود، چند شرکت معامله سلاح را، در رساندن سلاح به عراق مقصر جلوه دهند، اما پیش از آنکه طرفندهای این شرکت‌ها برای رساندن سلاح به عراق جالب توجه باشد، مسلح شدن کامل ارتش عراق و بازسازی آن برای ما ایرانی‌ها مهم است، و اینکه چنین کاری، بدون کمک و نظر مساعد قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری و پس از انجام همه نوع مذاکره و معامله برای نحوه، شکل، مکان و زمان به حرکت درآمدن این ارتش، امکان‌پذیر نبوده است.

خبرگزاریها اطلاع می‌دهند، که در روزهای ۸ و ۹ شهریور، ارتش عراق در یک مانور جنگی با استفاده از مهمات جنگی در نزدیکی مرزهای ایران انجام داده است. این اخبار همزمان است با پاره‌ای جابجائی‌ها در مقامات فرماندهی ارتش عراق.

همین خبرگزاریها اطلاع داده‌اند، که در نخستین روزهای شهریور ماه ۶ و ۷ شهریور نیروهای مسلح مجاهدین خلق ایران نیز در خاک عراق و در زمینی به وسعت هزار کیلومتر مربع، که دولت عراق در اختیارشان گذاشته، دست به یک مانور جنگی زده‌اند. خبرگزاریها با آب و تاب تمام از این مانور گزارش مصور مخابره کرده‌اند، و بویژه در خصوص ۱۱ فرمانده زن، از جمع ۱۵ فرمانده نظامی این مانور، و تسلط "مریم رجوی" در اداره کردن این مانور نظامی، و آشنائی او به فنون نظامی، قلم فرسائی کرده‌اند.

در جنوب ایران و در دریای فارس در قوای نظامی-دریائی آمریکا سنگرهای خالی را پر می‌کنند.

در کویت، ابرطبی و دیگر شیخ نشین‌ها پایگاههای نظامی تحت نظارت مست ارتش آمریکا برپا شده‌اند و مانورهای نظامی، با اسامی و بهانه‌های مختلف، اجرا می‌شود. در روز ۱۱ شهریور و همزمان با اعلام غیررسمی توافق‌های حاصله بین فلسطینی‌ها و کشورهای عرب منطقه با دولت اسرائیل و آغاز مذاکرات نهانی بین آنها، نیروهای نظامی کلبه شیخ‌نشین‌های عرب خلیج فارس یک مانور نظامی را تحت نظارت قوای نظامی آمریکا انجام داده‌اند.

بدین ترتیب حلقه حریقی، که از کناره‌های دریای عمان و بلوچستان زبانه می‌کشد، پس از دور زدن مرزهای ایران، به خلیج فارس و به نقطه آغاز باز می‌گردد.

آنچه را از اوضاع اقتصادی-سیاسی کشور و توان و تعقل رژیم حاکم بر ایران و خیره سری سران آن در ادامه سرکوب و اختناق و ماجراجویی می‌دانید، در کنار این تصویر قرار دهید و به خود پاسخ دهید، که چه باید کرد؟

**پاسخ ما روشن و صریح است:** برسر عام‌ترین و حیاتی‌ترین مسئله روز، یعنی حفظ و نجات میهن، و جلوگیری از سقوط آن در دامن مهیب‌ترین رویدادها، به مذاکره بنشینیم. سیر حوادث و شتاب روپاروئی‌ها در ایران نشان می‌دهد، که در صورت نخستین تقاضا در این زمینه، حتی بخشی از نیروهای پیرامونی حکومت، که نسبت به مصالح ملی، ممتدترند، تا به اندیشه امپراطوری اسلامی و بازگرداندن ایران به ۱۴ قرن پیش، زمینه را برای پیوستن به چنین جبهه‌ای آماده می‌بینند. ما روی شتاب رویدادها، چه در داخل کشور و چه در مرزهای ایران، تاکید می‌کنیم، و یقین داریم، که تشکل واحد در خارج از کشور، نخستین بازتابش، همگرایی اپوزسیون مذهبی-ملی رژیم در داخل کشور و برای نجات ایران خواهد بود.

## "فاتو" زاندارم جهان می‌شود

اتخاذ تصمیم سازمان نظامی ناتو برای بمباران مواضع سرب‌ها در "سارایوو" اولین قدم این سازمان نظامی تجاوزگر، از بدو پایه‌گذاری آن، در خارج از مرزهای کشورهای عضو این سازمان است.

این درحالی است، که "خطر شرق" دیگر وجود ندارد، که گویا علت ایجاد این سازمان درسال ۱۹۴۹ بود. همچنین "بوزنین-هرسگوین" نه‌عضوین سازمان است، و نه وقایع تلخ امپریالیسم‌ساخته‌در این سرزمین بلازده، مرزهای کشورهای عضو ناتو را به خطر می‌اندازد.

تصمیم فوق، که تحت هدایت "مانفرد وورنر"، وزیر دفاع اسبق آلمان، و دبیر کل کنونی ناتو اتخاذ شده است، نشانگر وطفائی است، که امپریالیسم برای این سازمان تجاوزگر نظامی در نظر دارد. این وظیفه تبدیل این سازمان به سازمان تئوریستی جهانی برای برقراری "نظم نوین امپریالیستی" ذر سراسر جهان است، و نه "الکترا توتوهای دمکراتیک" برای کشورهای "جهان سوم"، آنطور که برخی‌ها می‌پندارند. "امپریالیسم" کلاه آبی‌ها را برای اولین بار زیر پوشش ناتو و بمنوان زاندارم به یوگسلاوی سابق ارسال می‌دارد.

شایان توجه است، که این تصمیم، همانند تصمیم آمریکا برای رساندن "کک‌های انساندوستانه" به سومالی و قطع برخورد‌های "سران مسلح" در آنجا، به بهانه کمک رساندن و قطع جنگ در "بوزنین-هرسگوین" آغاز شده است. این درحالی است، که تقریباً یکسال پس از تجاوز ارتش آمریکا به سومالی، دیگر قطعی است، که بهانه "کک انساندوستانه" فقط تزویر امپریالیسم برای کنترل شاخ آفریقا و خاورمیانه بوده است. تنها تفاوت فیلم‌هایی، که این روزها از خیابان‌های مریکادیشو و شهرهای دیگر سومالی در تلویزیون دیده می‌شود، آن است، که بجای نیروهای مسلح "سران مسلح" سومالی، اکنون کامیون‌های ملو از ارتشیان امریکایی، ایتالیائی، آلمانی .... با سلاح‌های آماده برای شلیک و کشتار، خاک خیابان‌ها را به هوا بلند می‌کنند و مردم را به گلرله می‌بندند.